



فصلنامه علمی برنامه‌ریزی منطقه‌ای

سال ۱۰، شماره پیاپی ۳۹، پاییز ۱۳۹۹

شاپای چاپی: ۶۷۳۵-۲۲۵۱ - شاپای الکترونیکی: ۷۰۵۱-۲۴۲۳

<http://jzpm.miau.ac.ir>

مقاله پژوهشی

بررسی رابطه حق به شهر و احساس امنیت اجتماعی در بین شهروندان شهر یزد

اکبر زارع شاه آبادی: دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه یزد، یزد، ایران

لیلی بنیاد: دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه یزد، یزد، ایران

میثم غلامی: کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه یزد، یزد، ایران

پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۲۷

صص ۱۲۴-۱۰۹

دریافت: ۱۳۹۸/۱/۲۲

چکیده

حق به شهر از جمله مفاهیم اساسی و مهم در حوزه مطالعات شهری بوده که شامل متعلق بودن شهر به شهروندان و عامل اصلی مشارکت شهروندان در امور شهر است، که در سالیان اخیر با ترجمه آثار هنری لوفور جای خود را در حوزه‌های مطالعات شهری و جامعه‌شناسی شهری باز کرده است. هدف نوشتار حاضر بررسی رابطه بین حق به شهر و احساس امنیت اجتماعی شهروندان شهر یزد است. پژوهش حاضر به لحاظ روش اجرا، پیمایشی و از نظر زمان پژوهش، مقطعی، به لحاظ ماهیت، کاربردی و به لحاظ وسعت پهنانگر است. جامعه آماری پژوهش حاضر ۴۱۱۰۵۱ نفر از شهروندان ۱۸ سال به بالای شهر یزد در سال ۲۰۱۸ بوده‌اند که با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۳۶۵ نفر از آنان با روش نمونه‌گیری سه مرحله‌ای مورد بررسی قرار گرفت ابزار پژوهش پرسشنامه محقق ساخته بوده که اعتبار آن از طریق، صوری و پایایی آن از طریق آلفای کرونباخ مورد تایید قرار گرفته است. برای تحلیل داده‌های آماری از تحلیل‌های آماری همچون t و پیرسون در نرم‌افزار SPSS استفاده شده است. نتایج بدست آمده حاکی از این است که حق به شهر و احساس امنیت در بین شهروندان یزدی از حد متوسط پایین‌تر بوده و بین حق به شهر و احساس امنیت رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. همچنین بین ناحیه شهری، نوع مسکن و حق به شهر نیز رابطه معناداری وجود دارد. همچنین با توجه به مدل رگرسیون، متغیرهای مستقل توانستند ۱۰ درصد از واریانس احساس امنیت را تبیین کنند.

واژه‌های کلیدی: احساس امنیت، حق به شهر، امنیت جانی، امنیت مالی.

مقدمه:

شهر در دوران مدرن همواره موضوعی چالش برانگیز بوده است (Habibi & Amiri, 2015: 11). ویژگی عصر ما شهرنشین شدن جمعیت، افزایش جمعیت شهرها و به تبع آن توسعه شهرهای کوچک و بزرگ است (RakhshMah & et al, 2019: 221). زیرا رشد شهرنشینی و شکل گیری مقیاسهای جدیدی از رشد شهری در طی دهه‌های اخیر موجب شده که شهر و شهرسازی معاصر با چالش‌های نوینی مواجه گردد. به دلیل گستردگی ابعاد و تغییر در ماهیت مسائل شهری و پیچیدگی این مسائل و جنبه‌های مختلف مسئله به منظور حل پایدار آن‌ها را گریزناپذیر ساخته است (Edrisi & shojaei, 2012: 2). آنچه که اخیراً با توجه به گسترش شهرها و اهمیت مطالعه و بررسی زندگی شهری و شیوه حق خواهی در شهر، مورد توجه قرار گرفته، بحث حق به زندگی شهری یا چنان که هنری لوفورامی گوید حق به شهر است (jalayei & Dindarsangjuei, 2015: 2). حق به این که ساکنان شهر در تصمیم گیری‌های مربوط به فضاهای شهری در هر سطحی از تصمیم گیری که هستند، دخیل باشند (Fenster, 2005: 23). حق به شهر رویکردی مبتنی بر جامعه، با هدف به رسمیت شناختن شهر به مثابه مکانی برای بازتولید روابط اجتماعی قدرت است (Dikec & Gilbert, 2002: 70). زیرا شهر نشینی مجموعه‌ای از روابط اجتماعی است که منعکس کننده روابط موجود در جامعه به عنوان یک کل در نظر گرفته شده (Harvey, 2008: 205). حق به شهر مستلزم تعریف حق دستیابی، نه تنها به آن چه در حال حاضر وجود دارد بلکه همچنین به باز تولید شهری با تصاویر متفاوت و تعریف خوانش‌های نو از شهر موجود است. از این رو حق به شهر رویکردی مبتنی بر جامعه، با هدف به رسمیت شناختن شهر به مثابه مکانی برای باز تولید روابط اجتماعی قدرت تعریف می‌شود (Dikec & Gilbert, 2002 cited in Rafeiyan & Alvandipour, 2016). به همین خاطر فضاهای شهری و تلقی از آن به عنوان بیشتر زنانه، بیشتر مردانه، خصوصی، عمومی، امن، ناامن، مدرن و یا سنتی اساساً برساخته‌های اجتماعی هستند که از میدانی به میدان دیگر و از مقطعی تا مقطع دیگر تفاوت دارند. این تلقی از فضا ملهم از مفهوم سازی لوفور از ابعاد سه گانه فضایی و رخنه روابط اجتماعی در شکل یافتن و معنا سازی از آن است. به زعم لوفور فضا نه تنها به واسطه روابط اجتماعی حمایت می‌شود بلکه همچنین خود برساخته روابط اجتماعی است و در تولید آن سهیم است (Zakaei, 2016: 64). به همین دلیل است که شهروندی یک ضرورت اجتماعی است که به صورت سازه اجتماعی ناشی از بسترهای اجتماعی و فرهنگی جامعه همواره با تنوع فرهنگ‌ها، معانی مختلفی را در جامعه شکل می‌دهد؛ بر این اساس به طور کلی شهروندی یک نوع قرارداد متقابل اجتماعی و یک سلسله حقوق متقابل دولت بر مردم و مردم بر دولت و همچنین یک احساس مشترک عمومی نسبت به هویت ملی و اجتماعی در یک محدوده مشخص شده است (Ameli, 2001: 168 cited in MalekHosseini & et al, 20018: 257).

در بررسی علل پیدایش شهر و اینکه چرا اجتماعات بشری در محیطی چون شهر گردهم آمدند نظریات مختلفی ارائه گردیده است که یکی از نظریات، مساله امنیت و ابعاد عینی آن است، حال با گذر قرن‌ها از پیدایش نخستین اجتماعات شهری، شهرها در نتیجه رشد گسترده کالبدی و جمعیتی خود درگیر مسائل جدیدی در چارچوب انواع مختلف ابعاد زندگی شهروندان شده‌اند در این میان امنیت شهری شهروندان در چارچوب مفهوم حق به شهر یکی از مسائل مهم در ساماندهی شهری به حساب می‌آید (Soltani et al, 2016: 88). چرا که در دنیای امروز و در بسیاری از مباحث سیاسی، اجتماعی و اقتصادی موضوع اساسی و مهم، مفهوم امنیت است (Bazrafshan & Rosta, 2012: 142). امنیت یکی از دلایل یکجانشینی و تشکیل اجتماعات به شمار می‌رود و همزمان با گسترش اجتماعات و تعاملات اجتماعی، روابط متعددی در عرصه‌های گوناگون (سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و ...) شکل گرفته و امنیت را به گونه‌ای دیگر تحت شعاع قرار داده است (Dorbastaneh, 2013 cited in Shamsuddini & et al, 2017: 62). مفهوم امنیت در شهرها طی دهه‌های گذشته با رشد و توسعه شهر نشینی و گسترش کلان شهرها و پیچیده‌تر شدن روابط اجتماعی شهروندان در شهرها از حالت اولیه و جنبه‌های فیزیکی محسوس خارج شده و ابعاد دیگری را دربر گرفته است (Mousavi & et al, 2008: 4). در باب احساس امنیت، تعاریف متفاوتی وجود دارد که هر کدام از زوایای، مقوله امنیت را مورد اشاره قرار داده‌اند، از جمله اینکه احساس امنیت به احساس رهایی انسان از اضطراب، بیم و خطر اطلاق می‌شود. به عبارتی، آرامش و آسودگی خاطری است که توجه به ابعاد مختلف آن می‌تواند ارتباطات و سرمایه اجتماعی عظیمی که خود عاملی برای ثبات، آرامش و لذت از فضاهای عمومی شهری و روستایی است را به وجود آورد (Bazrafshan & Rosta, 2016: 142). امنیت اجتماعی به معنی حفظ سیستم اجتماعی است به گونه‌ای که اجتماع، خانواده و فرد در مقابل تهدیدها و ناهنجاری‌های اقتصادی - اجتماعی یا شخصی ایمن بوده و از سلامت زندگی خود اطمینان داشته باشد (Khushfar & et al, 2014: 73). امنیت اجتماعی را از حیث شمولیت و فراگیری می‌توان امنیت عمومی نیز قلمداد نمود که حوزه‌های امنیت جمعی و گروهی را می‌تواند پوشش دهد. در

میان نظریه پردازان امور امنیتی، ویور، امنیت اجتماعی را توانمندی جامعه برای مراقبت از خصوصیات و ویژگی‌های بنیادین خود در شرایط تغییر و تهدیدات عینی و احتمالی تعریف نموده و بر ارتباط نزدیک میان هویت جامعه و امنیت تاکید داشته و خاطر نشان می‌کند که جامعه، امنیت هویتی‌اش را می‌طلبد. بر این اساس امنیت اجتماعی، آرامش و آسودگی خاطر است که هر جامعه موظف است برای اعضای خود ایجاد نماید (Mohseni, 2010: 5). و غالباً به امنیت ارتباطی، عاطفی جانی و مالی تقسیم می‌شود.

جین جیکوبز، نظریه پرداز بزرگ شهری در تبیین امنیت شهری به تعامل فضای فیزیکی و فرآیندهای اجتماعی که محیط را می‌سازند توجه نموده و بر فعال بودن فضا به عنوان عاملی در ایجاد یک محیط امن و موفق تأکید می‌کند. وی ایجاد حرکت، استفاده‌های فعال از سطح خیابان و فعالیت‌های خیابانی و مراقبت‌های طبیعی از این فعالیت‌ها را به عنوان مؤلفه‌هایی در جهت ساختن یک محیط خوب شهری قلمداد می‌کند (Boyle, 2002 cited in Godarzi & et al, 2016: 100). امنیت نیازی اجتناب ناپذیر و انکارکردنی است و جامعه بدون امنیت جمعیتی خواهد داشت که آرامش روحی و روانی ندارند. از سوی دیگر، امنیت پدیده‌ای احساسی و ادراکی است و بیشتر به احساس روانی شهروندان از عوامل تهدیدکننده بر می‌گردد. از دید بسیاری، احساس امنیت در جامعه از وجود امنیت مهم‌تر است؛ زیرا واکنش‌های فرد در جامعه به میزان دریافت و ادراک او از امنیت بستگی دارد. مقوله احساس امنیت به منزله یک آرمان و واقعیت و یکی از حقوق اساسی مردم مطرح است و در نهایت، رهاورد مجموعه‌ای از تعاملات و تعاون و سازگاری بین اجزای مختلف نظام اجتماعی است. این احساس ناشی از تجربه‌های عینی و اکتسابی افراد از شرایط و اوضاع پیرامون آن‌هاست (Moayedifar & et al, 2019: 2). امنیت از نیازها و انگیزه‌های اساسی انسان به شمار می‌رود، به طوری که با زوال آن آرامش خاطر انسان از بین می‌رود و تشویش، اضطراب و ناآرامی جای آن را می‌گیرد و مرتفع شدن بسیاری از نیازهای آدمی در گرو تأمین امنیت است (MalekHosseini & et al, 2018: 256). بنابراین با توجه به مطالب مطروحه، اصلی‌ترین سوالی که این پژوهش قصد پاسخ به آن را دارد این است که:

حق به شهر شهروندان یزدی، چه ارتباطی با امنیت اجتماعی آنان دارد؟

بین حق به شهر و احساس امنیت اجتماعی شهروندان یزدی رابطه وجود دارد.

بین نوع مسکن و حق به شهر شهروندان یزدی رابطه وجود دارد.

بین محل زندگی و حق به شهر شهروندان یزدی رابطه وجود دارد.

بین تحصیلات و حق به شهر شهروندان یزدی رابطه وجود دارد.

پیشینه و مبانی نظری:

حق به شهر: یک حق بشری است که شامل تعلق یافتن شهر به شهروندان و مشارکت آنان در امور شهری است. قرار گرفتن این حق در چارچوب حقوق بشر به جای حقوق مدنی به این معنا است که هر انسانی صرف نظر از جنس، سن، نژاد و ویژگی‌های اجتماعی-فرهنگی، تنها به دلیل انسان بودن شایسته بهره‌مندی از این حق است. تعلق یافتن به شهر با حرکت در شهر، حضور در آن، احساس آرامش و داشتن فضاهای مناسب برای خود ممکن می‌شود (Rahbari & Sharepour, 2014: 118). **تعریف عملیاتی:** حق به شهر دارای ۵ سوال است. گویه‌های این متغیر در یک طیف پنج قسمتی (خیلی کم، کم، متوسط، زیاد، خیلی زیاد) ارزش‌گذاری شده‌اند، که از ۱ تا ۵ به آن‌ها امتیاز داده شده است. **امنیت:** از نیازها و انگیزه‌های اساسی انسان به شمار می‌رود، به طوری که با زوال آن آرامش خاطر انسان از بین می‌رود و تشویش، اضطراب و ناآرامی جای آن را می‌گیرد. مرتفع شدن بسیاری از نیازهای آدمی در گرو تأمین امنیت است و نیاز به امنیت از بنیادی‌ترین نیازهای انسان در هر محیطی است (Riyahi & Nouri, 2018: 146). **تعریف عملیاتی:** امنیت به چهار بعد امنیت ارتباطی (۳ سوال)، امنیت عاطفی (۳ سوال)، امنیت جانی (۳ سوال) و امنیت مالی (۳ سوال) تقسیم شده است. گویه‌های این متغیر در یک طیف پنج قسمتی (خیلی کم، کم، متوسط، زیاد، خیلی زیاد) ارزش‌گذاری شده‌اند، که از ۱ تا ۵ به آن‌ها امتیاز داده شده است.

موبدی فر (۲۰۱۹) در پژوهش خود با عنوان «تحلیلی بر پراکنش فضایی احساس امنیت در استان یزد» به این نتیجه رسید که وضعیت امنیت اجتماعی شهروندان شهر یزد از متوسط میانگین پایین‌تر است و شرایط مطلوبی ندارد. ملک حسینی و همکاران (۲۰۱۸) در مقاله خود «بررسی تاثیر فرهنگ شهروندی بر امنیت اجتماعی زنان در شهر ملایر»، نتیجه گرفتند که سطح فرهنگ شهروندی و میزان امنیت اجتماعی زنان در شهر ملایر رابطه معناداری وجود دارد. فعال (۲۰۱۷) در تحقیق خود «تاثیر حقوق شهروندی مرزنشینان بر ارتقای نظم و امنیت در مناطق مرزی» به این نتیجه دست یافت که بین امنیت و حقوق شهروندی رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. حقیقت و میرابوالقاسمی بهابادی (۲۰۱۷) در مقاله خود با عنوان «امنیت و حقوق شهروندی زنان در فضاهای شهری با رویکرد CPTED مورد: خیابان

و پیاده راه» به این نتیجه رسیده‌اند در سال‌های اخیر زنان و مردان فضای شهری را به صورت‌های متفاوتی تجربه می‌کنند و زنان به طور یکسان با مردان از فضای شهری بهره‌مند نمی‌شوند. اگرچه فضاهای شهری بر اساس قانون به روی همه باز است. رضایی و بالایی (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان «امنیت و حقوق شهروندی: تقدم یا تاخر» نویسنده تلاش می‌کند با مبنا قرار دادن تعریفی مبتنی بر مبانی اسلامی مولفه‌های حقوق شهروندی را نشان دهد که چنین مبانی نظری می‌تواند زمینه ساز تصمیم سازی صحیح در مقام تراجم حقوق شهروندی و تامین امنیت اجتماعی در انجام اقدامات پلیسی توسط مقامات ذی ربط شود. یافته‌های پژوهش نریمانی (۲۰۱۶) نشان داد که مولفه‌ای که به کمک آن می‌توان احساس امنیت را در میان شهروندان یک جامعه تقویت کرد، سرمایه اجتماعی است به عبارت دیگر چنانچه ساکنان یک شهر که زندگی شهری را حق خود می‌دانند احساس امنیت داشته باشند، از سرمایه اجتماعی بالاتری نسبت به هم نوعان خود در جامعه برخوردار خواهند بود.

اگرزآ و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهش خود «مسئولیت پذیری و شهروندی فعال اجتماعی» دست یافتند که: وجود امنیت اجتماعی در جامعه می‌تواند طیف گسترده‌ای از گزینه‌ها و فرصت‌ها را برای شهروندان در جامعه ایجاد کند. موگا و توبون (۲۰۱۸) در پژوهش خود «امنیت شهروندان در آمریکای لاتین» یافتند که اولویت‌ها و رویکردهای آمریکای لاتین در مورد امنیت اجتماعی به خصوص بعد جانی امنیت، تغییر کرده و رابطه مستقیمی بین امنیت و همکاری شهروندان در شهرها وجود دارد. نتایج پژوهش یون و نادیمپالی (۲۰۱۷) در مقاله‌ای با عنوان «شهرها برای آن‌ها» به بررسی بیگانگی زنان معلول در معرض خشونت بررسی پرداخته است. در حالی که در بنگالورو، آسیب پذیری کارکنان خانگی به دلیل عدم شناخت آن‌ها مورد بررسی قرار گرفته است، هر دو مورد نشان می‌دهد که حق شهروندان در روابط قدرت، که باید مورد چالش قرار گیرند، تعبیه شده است تا حقوق زنان را در حق به شهر تغییر دهد. یافته‌های پژوهش شهدادی (۲۰۱۶) در مقاله‌ای با عنوان «احساس امنیت شهروندان و عوامل فیزیکی موثر بر آن در فضاهای عمومی» حاکی از آن است که عوامل فیزیکی مانند: ورودی موتورسیکلت‌ها به فضاهای عمومی، نورپردازی، مناسب بودن کفش، بین دیوارها و ساختمان‌هایی که در اطراف فضاهای جمعی متلاشی شده‌اند، با واریانس کل احساس امنیت شهروندان ارتباط معناداری دارد.

توماس هامفری مارشال گر ادبیات جامعه شناسی معاصر بسیاری از مسائل اجتماعی از منظر نظریه‌های شهروندی مورد بررسی قرار می‌گیرند امروزه شهروندی از جذابیت‌های زیادی برخوردار است و اکثر نوشته‌ها در حوزه مسائل اجتماعی با تاکید زیاد بر این ایده آغاز می‌شود یکی از نظریه پردازانی که می‌توان با استفاده از تئوری‌هایش مسائل مربوط به حقوق شهروندی را تبیین نمود مارشال است. از دیدگاه وی شهروندی ظرفیت و شایستگی عضویت در یک جامعه است شهروندی منزلتی اعطا شده به آن‌هایی است که اعضاء کامل یک اجتماع هستند همه آن‌هایی که این منزلت را دارا هستند نسبت به حقوق و وظایفی که این منزلت به آن‌ها بخشیده برابرنند (Turner & Hmlton, 1994 cited in Shiyani & Fateminiya, 2009: 113). مارشال سه نوع حقوق را در ارتباط با رشد شهروندی تشخیص می‌دهد: الف) حقوق مدنی؛ آزادی افراد برای زندگی در هر جایی که انتخاب می‌کنند و آزادی بیان و مذهب و حق مالکیت و حق دادرسی یکسان در برابر قانون. ب) حقوق سیاسی؛ حق شرکت در انتخابات و انتخاب شدن. ج) حقوق اجتماعی؛ حق طبیعی هر فرد برای بهره‌مند شدن از حداقل استاندارد رفاه اقتصادی و امنیت شامل مزایای بهداشتی و درمانی و تأمین اجتماعی (Marshall, 1994 cited in shabani & Sepahvand, 2013: 473).

و تسیک (۲۰۰۲) تعریفی کوتاه و خلاصه از امنیت ارائه می‌دهد او معتقد است «امنیت به معنای فقدان تهدید علیه ارزشهاست» اما نکته مهم در ارتباط با واژه‌هایی است که گاهی به اشتباه با امنیت مترادف گرفته می‌شود یکی از این واژه‌ها «احساس امنیت» است برای روشن شدن موضوع بایستی گفت احساس امنیت یک نوع واکنش عاطفی به جرائم خشونت بار اجتماعی و آسیب‌های فیزیکی در نظر می‌گیرند و یا طیفی از واکنش‌های عاطفی و عملی به جرم و بی‌نظمی که افراد یا اجتماع با آن مواجهه‌اند (Gerth, 2005 cited in soltani et al, 2016: 88). یکی از مسائلی که آرامش شهروندان و شهر را تهدید می‌کند مسئله ناامنی در شهر است. ناامنی و بروز جرائم در شهر بر کیفیت زندگی شهروندان تاثیر می‌گذارد فضاهای عمومی مانند میدان‌ها، بازارها و خیابان‌ها برخی از جذاب‌ترین شاخص‌های زندگی شهری‌اند. هنگامی که به علت جرم و

³ -Eggers

⁴ -Muggah & Tobón

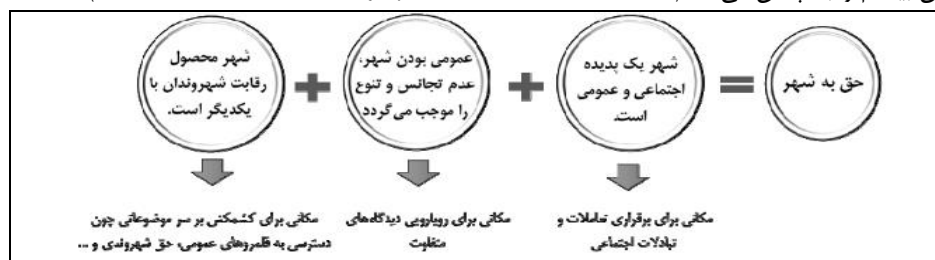
⁵ -Yon & Nadimpalli

⁶ -T.h. Marshal

⁷ -Vucetic

جنایت نتوان از این فضاها استفاده کرد تاثیر منفی بر جذابیت زندگی افراد می‌گذارد و افرادی که در آنجا زندگی می‌کنند اگر بتوانند به حومه‌ها عزیمت کنند. از این جهت بروز جرائم و احساس ناامنی در شهر نه تنها به افراد و گروه‌ها صدمه می‌زند بلکه به ارزش‌های محله‌های شهری و ارزش‌داری‌های افرادی که در محله‌های جرم خیز زندگی می‌کنند آسیب می‌رساند و می‌تواند آسیب‌های اقتصادی به بدنه شهری وارد کند (KhodayariMotlagh, 2016: 40).

انگاره حق به شهر از میان یکی از جنبش‌های اعتراضی و مقاومتی زاده شد این اصطلاح برای اولین توسط هانری لوفور در مقاله «حق بر شهر» (*Le droit à la ville*) که در سال ۱۹۶۸ به رشته تحریر درآمده مطرح شده است. برخی نظریه‌پردازان از جمله میشل (۲۰۰۳) معتقدند که لوفور با طرح مفهوم حق به شهر رویکردی نو و رادیکال را نسبت به شهر مطرح نمود و توانست تا حد زیادی ساختارهای اجتماعی و سیاسی قرن بیستم را به چالش می‌کشد (Mitchell, 2003 cited in Rafeiyan & AlvandiPour, 2016).

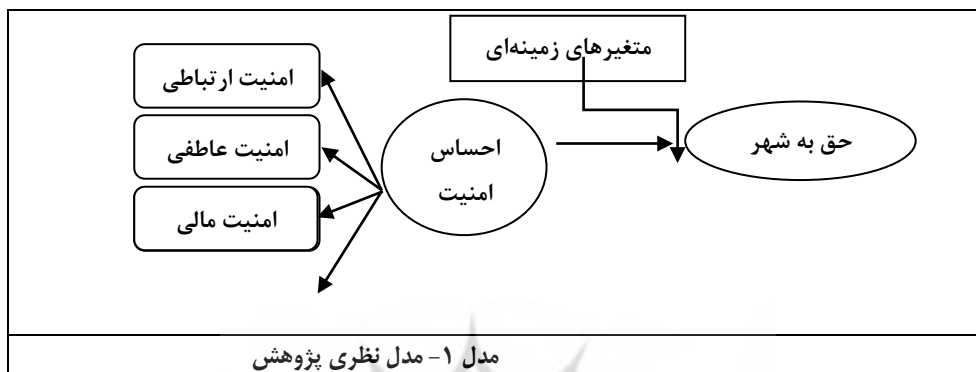


شکل ۱- حق به شهر لوفور (Mitchell, 2003).

برخی از پژوهشگران معتقدند که تئوری حق به شهر هانری لوفور بسیار رادیکال تر و گسترده‌تر از مفهومی است که عموماً رواج یافته است آن‌ها با ارائه یک قرائت جدید از حق به شهر که از آن تحت عنوان «سیاست‌های شهری ساکنان شهر» یاد می‌شود مفهوم حق به شهر را به عنوان راه حلی برای مقاومت همه شهروندان در برابر ساختارهای تحمیلی و شکل دهنده به شهر و سیاستی برای دستیابی به فضاهای شهری می‌دانند (Purcell, 2002 cited in Rafeiyan & AlvandiPour, 20016). در حق به شهر هانری لوفور این مساله مطرح می‌شود که اساساً پراکسیس شهری نیازمند همزمانی و هم مکانی است که در آن جریان روابط هر روزه زندگی و تعاملات اجتماعی ممکن می‌شود. طراحان شهری اساساً مسئول طراحی پراکسیس شهری نیستند و نمی‌توانند هم این کار را انجام دهند اما می‌توانند فضای مناسب آن را ایجاد کنند (Lefebvre, ۱۹۹۶ cited in Rahbari & Sharepour, 2014). از این رو حق به شهر رویکردی مبتنی بر جامعه، با هدف به رسمیت شناختن شهر به مثابه مکانی برای باز تولید روابط اجتماعی قدرت تعریف می‌شود (Dikeç & Gilbert, 2002: 70). از این نگاه امنیت شهری نیز دارای ابعاد متمایزی است که از مفاهیم اجتماعی و فرهنگی، اقتصادی و سیاسی، مذهبی و دینی در ساختار شهری حاصل می‌شود التفات به مقوله امنیت شهری در چارچوب حق به شهر از آن جهت اهمیت مضاعف می‌یابد که با نگاهی به رشد شهرنشینی و افزایش جمعیت شهر نشین که اختلاط و درهم آمیزی بیشتر انسان‌ها را در ساختار شهر به همراه دارد می‌توان این مقوله را در ارتباط با امنیت ملی و انسجام اجتماعی دانست (Bemanian & Mahmoudinejad, 1999: 62).

امنیت اجتماعی از نظر بوزان به حفظ الگوها ویژگی‌هایی ارجاع دارد که بر مبنای آن افراد خودشان را به عنوان عضو یک گروه اجتماعی قلمداد می‌کنند، به بیان دیگر امنیت اجتماعی معطوف به جنبه‌هایی از زندگی فرد می‌گردد که هویت گروهی او را سامان می‌بخشد (Navidnia, 2003: 61). به عقیده گیدنز امنیت اجتماعی شامل تمهیداتی جهت حفظ زندگی اعضای یک جامعه و سپس حفظ راه و روش زندگی آنان است (Giddens, 2004: 672). لات امنیت اجتماعی را حفظ جان، مال، ناموس و آبروی مردم و تأمین آرامش روحی و روانی آن‌ها تلقی می‌کنند (Lott, 2004 cited in Navidniya, 2003: 132). در مباحث پیرامون امنیت دو رهیافت عمده قابل تفکیک است: رویکرد سنتی که به ارزش‌های عینی توجه دارد و به رویکرد دولت محور و قدرت محور نیز مشهور و دیگری رویکرد مدرن که به ارزش‌های ذهنی معطوف است، به رهیافت جامعه محور و هویت محور مشهور است (Khushfar, & et al, 20014: 83). **رویکرد سنتی:** در این رویکرد قدرت و امنیت به یکدیگر گره خورده و به میزان برخورداری از قدرت می‌توان ادعا نمود که امنیت به مفهوم عدم امکان تعرض، تجاوز و خطر است. در این روند برای برقراری امنیت نیازمند کنترل‌های نظارتی و رسمی هستیم و امنیت به مدد سیستم‌های نظارتی اعمال می‌شود (Navidnia, 2003: 9-10). در این بعد از امنیت، امنیت اجتماعی با حفظ و بقای زندگی مطرح می‌شود. یعنی باید زندگی اعضای جامعه حفظ شود و بدین سبب نیازمند حذف یا حداقل کاهش عواملی هستیم که حفظ و بقای زندگی را تهدید می‌کند و روند استمرار حیات را مختل می‌کند. بنابراین هر آنچه که مخل نظم جاری زندگی شود، می‌تواند به عنوان تهدیدی برای جامعه به شمار

رود (SamAram, 2009: 19). **رویگرد مدرن:** در این رویکرد حضور صرف امنیت کافی نیست، بلکه تضمین حفظ شیوه زندگی، تأمین اجتماعی، همکاری و مشارکت می‌تواند به عنوان شاخص‌های امنیت اجتماعی با مؤلفه‌های نزدیک به آن مطرح گردد. در این راستا برخورداری از آموزش و امکان کسب اطلاعات، برخورداری از حقوق شهروندی، اعمال عدالت در عرصه‌های مختلف، احترام متقابل و حرمت به شیوه‌های گوناگون زندگی مورد توجه است و تعرض به چنین حوزه‌هایی به عنوان تهدیدات امنیت اجتماعی مطرح می‌شود (Navidnia, 2003: 10). امنیت اجتماعی در تعریف مدرن آن بر حفظ و نگهداری احساس تعلق یا همان احساس ما بودن نظارت دارد زیرا حراست و نگهداری از احساس ما بودن، در حفظ جامعه نقش دارد و اگر این احساس حفظ شود، افراد جامعه نسبت به مشکلات و مسائل جامعه احساس تعهد و تکلیف می‌کنند (SamAram, 2009: 20). بر اساس چارچوب نظری فوق، مدل تحلیلی پژوهش به شکل زیر ارائه می‌گردد.



روش تحقیق:

پژوهش حاضر به لحاظ روش اجرا، پیمایشی و از نظر زمان پژوهش، مقطعی، به لحاظ ماهیت کاربردی و به لحاظ وسعت پهنانگر است. جامعه آماری شهروندان ۱۸ سال به بالای شهر یزد هستند که بر اساس آمار نامه سال ۲۰۱۶، ۴۱۱۰۵۱ نفر بودند. که با استفاده از فرمول کوکران نمونه‌ای ۳۶۵ افرادی از آن‌ها مورد مطالعه قرار گرفت و با روش نمونه‌گیری سه مرحله‌ای است، به این صورت که در مرحله اول تعداد ۱۰ محله از محلات شهر به شیوه تصادفی انتخاب شدند و در مرحله بعد در داخل محلات به شیوه سیستماتیک خانوارها انتخاب شده و در مرحله سوم در داخل خانوار منتخب یک نفر از افراد بالای ۱۸ سال به تصادف پرسشنامه را تکمیل کرده است. ابزار پژوهش پرسشنامه محقق ساخته بوده که اعتبار آن از طریق، اعتبار صوری و پایایی آن از طریق آلفای کرونباخ مورد تایید قرار گرفته است. جدول (۱) اطلاعات حاصل از آلفای کرونباخ متغیرهای مستقل و وابسته است. همچنین یافته‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۳ و با آزمون‌های t ، پی‌رسون، f و رگرسیون چند متغیره، مورد تحلیل قرار گرفته‌اند.

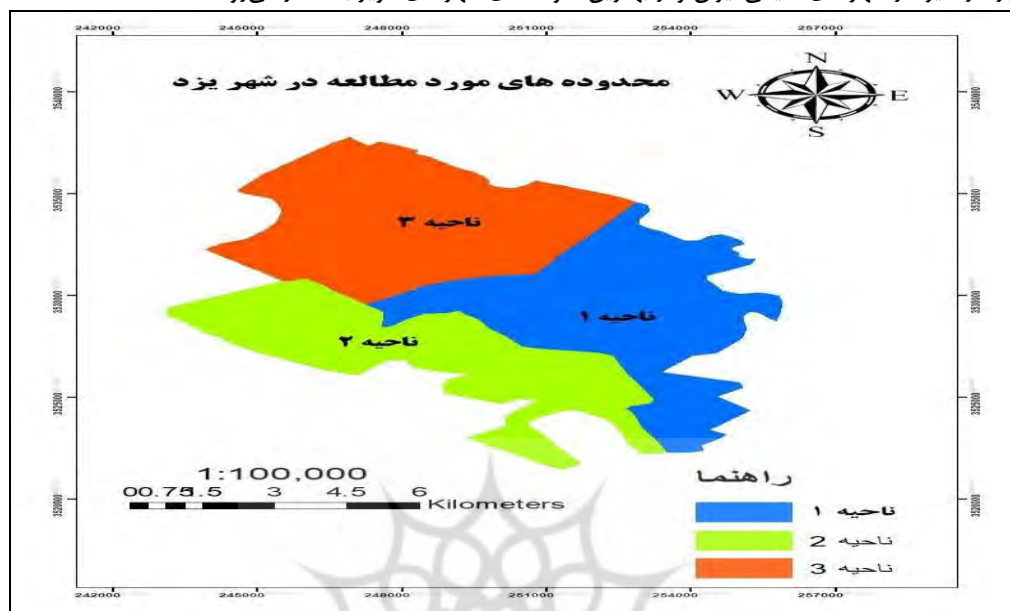
جدول ۱- گویه‌ها و میزان پایایی

متغیر	نمونه گویه‌ها	آلفا
حق به شهر	حقوق شهروندان در اقشار مختلف به یک اندازه پاس داشته نمی‌شود-حق استفاده از شهر بین همه اقشار یکسان توزیع شده است -به نظر من حق افرادی با موقعیت اجتماعی من در شهر پایمال می‌شود.	۰/۷۴
امنیت ارتباطی	من با دوستان خود رابطه صمیمانه دارم- من با همسایگان خود رابطه صمیمانه دارم- من قادر به برقرار کردن روابط با اطرافیان خود هستم.	۰/۶۸
امنیت عاطفی	همه اعضای خانواده عشق و علاقه خود را به هم ابراز می‌دارند- همه اعضای خانواده می‌توانند نظرات خود را آزادانه ابراز نمایند.	۰/۷۳
امنیت جانی	من بدون هیچ گونه ترس و نگرانی در خیابان‌های شهر رفت و آمد می‌کنم- من سعی می‌کنم به هیچ وجه در شب از خودروهای مسافربر شخصی استفاده نکنم.	۰/۸۸
امنیت مالی	من با واگذاری پس اندازهای خود برای سرمایه گذاری به افراد مطمئن موافق هستم- من در تامین نیازهای ضروری خود توانا هستم.	۰/۸۵

شناخت محدوده مورد مطالعه:

شهر یزد با وسعت ۵۹۹ کیلومتر مربع در مرکز استان با مختصات ۵۴ درجه و ۳۱ دقیقه عرض شمالی و ۲۳ درجه و ۵۴ دقیقه طول شرقی بزرگ‌ترین واحد تاریخی استان یزد و مرکز اداری آن است. موقعیت جغرافیایی در مرکز شهرستان و استان یزد و دارای ۱۲۱۵ متر

ارتفاع از سطح دریا است که در میان فلات مرکزی واقع شده است. شهر یزد از طرف شمال به شهرستان اردکان، از مشرق به شهرستان بافق، از جنوب و جنوب غرب به شهرستان تفت محدود می‌گردد. فاصله هوایی آن تا تهران ۵۰۸ کیلومتر و فاصله زمینی آن تا تهران ۶۲۸ کیلومتر است. سابقه شهر نشینی در این مکان را به قبل از اسلام، استیلای اسکندر و حتی عصر هخامنشی نسبت می‌دهند (ZareShahabadi, ۲۰۰۵: ۶۰). از هفت کلانشهر ایران است که با استان‌های خراسان جنوبی، اصفهان، کرمان و فارس در همسایگی قرار دارد. یزد از شهرهای قدیمی ایران و از بهترین نمونه‌های شهرهای کویر به شمار می‌رود.



شکل ۲- تفکیک مناطق سه گانه شهر یزد

یافته‌های تحقیق:

۱۰/۱ درصد پاسخگویان در گروه سنی زیر ۲۰ سال، ۳۳/۲ درصد در گروه سنی ۲۰ تا ۲۹ سال، ۲۸/۸ درصد در گروه سنی ۳۰ تا ۳۹ سال، ۱۵/۳ درصد در گروه سنی ۴۰ تا ۴۹ سال و ۱۰/۷ درصد هم در گروه سنی ۵۰ سال به بالا قرار داشتند و ۱/۹ درصد هم سن خود را گزارش نکرده‌اند. کمترین سن ۱۸ سال و بیشترین سن ۷۳ سال است. ۵۰/۷ درصد از پاسخگویان زنان و ۴۹/۳ درصد مردان می‌باشند. ۳۷/۳ درصد از پاسخگویان مجرد و ۶۲/۷ درصد متاهل. ۴۰/۵ درصد پاسخگویان غیر شاغل و ۵۹/۲ درصد نیز شاغل و ۰/۳ درصد هم پاسخی به این سوال نداده‌اند. ۳۸/۹ درصد بیکار، ۱۳/۴ درصد شغل‌های سطح پایین، ۳۹/۲ درصد شغل‌های متوسط، ۴/۱ درصد شغل‌های متوسط بالا، ۱/۴ درصد شغل‌های سطح بالا می‌باشند. ۸۷/۹ درصد پاسخگویان بومی یزد و ۱۱/۵ درصد نیز غیر بومی یزد بودند و میزان ۰/۵ درصد هم پاسخی نداده‌اند. ۶۹ درصد پاسخگویان مالکیت مسکن‌شان به صورت شخصی، ۲۰/۸ درصد استیجاری، ۲/۲ درصد سازمانی، ۶/۸ درصد رهن و ۰/۳ درصد هم به این سوال پاسخی نداده‌اند.

جدول ۲- میزان متغیرها و شاخص‌های آن بر حسب فراوانی و درصد

متغیر	ابعاد	میانگین	انحراف معیار	حداقل نمره	حداکثر نمره	میانگین نظری
احساس امنیت	حق به شهر	۱۳/۵۷	۳/۸۷	۵	۲۵	۱۵
	ارتباطی	۱۱/۸۱	۲/۳۰	۳	۱۵	۹
	عاطفی	۱۱/۹۵	۲/۳۴	۳	۱۵	۹
	جانی	۶/۸۴	۲/۲۷	۲	۱۰	۶
	مالی	۹/۴۳	۲/۴۷	۳	۱۵	۹
	احساس امنیت	۴۰	۵/۹۲	۲۱	۵۵	۷۱

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۸.

با توجه به جدول فوق میانگین کل حق به شهر برابر با ۱۳/۵۷ است و این نشان می‌دهد که حق به شهر شهروندان شهر یزد از حد متوسط (با میانگین معیار ۱۵) پایین‌تر است و همچنین میانگین احساس امنیت برابر با ۴۰ می‌باشد، که نشان دهنده این می‌باشد که این شاخص نیز از حد متوسط با میانگین معیار ۷۱ پایین‌تر است.

جدول ۳- نتایج آزمون تفاوت میانگین بین نوع مسکن و ناحیه شهری با حق به شهر

نوع مسکن	میانگین	انحراف معیار	F	Sig
سازمانی	۱۴/۵۰	۲/۸۷	۳/۶۷	۰/۰۰۱
شخصی	۱۳/۸۷	۳/۷۷		
استیجاری	۱۳/۲۸	۳/۸۱		
رهن	۱۱/۳۲	۴/۶۸		
کل	۱۳/۵۸	۳/۸۷		
ناحیه شهری	میانگین	انحراف معیار	F	Sig
ناحیه ۱	۱۳/۳۰	۴/۴۹	۲/۶۳	۰/۰۵
ناحیه ۲	۱۲/۹۷	۴/۱۶		
ناحیه ۳	۱۴/۳۴	۳/۹۳		
کل	۱۳/۳۶	۴/۲۵		

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۸.

جدول شماره ۳ به بررسی تفاوت بین نوع مسکن و حق به شهر پرداخته است، نتایج حاصله از جدول بیان می‌کند که تفاوت معنی‌داری بین ($P \geq 0/001$) نوع مسکن و حق به شهر وجود دارد. ($F=3.67$)، به این صورت که مسکن سازمانی با میانگین ۱۴/۵۰، شخصی با میانگین ۱۳/۸۷، استیجاری با میانگین ۱۳/۲۸ و رهن با میانگین ۱۱/۳۲ تفاوت معنی‌داری با هم دارند. در واقع یافته‌ها حاکی از آن است که افرادی که در خانه‌های سازمانی (منزلی که از طریق دولت به سازمان‌های مختلف به منظور سکونت خانواده‌های کارکنان سازمان‌ها تعلق گرفته است) سکونت دارند میزان مشارکت و تعلق بیشتری به شهر دارند. در واقع به نظر می‌رسد حق به شهر بالای ساکنان منازل سازمانی نشان دهنده احساس مسئولیت بالاتری است که این ساکنان در شهر نسبت به شهروندانی دارند. همچنین نتایج حاصله از بررسی تفاوت بین محل زندگی و حق به شهر نشان می‌دهد سطح معنی‌داری بین محل زندگی و حق به شهر برابر با ($P \geq 0/05$) بوده و ضریب F بدست آمده برابر با ۲/۶۳ است که این فرضیه نیز تایید می‌شود با توجه به نتایج جدول در قسمت ناحیه شهری بدین شرح است که ناحیه ۱ با میانگین ۱۳/۳۰، ناحیه ۲ با میانگین ۱۲/۹۷ و ناحیه ۳ با میانگین ۱۴/۳۴. به نظر می‌رسد کسانی که در مناطق بالای شهری سکونت دارند مشارکت بیشتری دارند و احساس مسئولیت بیشتری نسبت به مشارکت در امور شهری را تجربه می‌کنند.

جدول ۴- همبستگی بین متغیرها و ابعاد آن‌ها

متغیرها	همبستگی	sig	متغیرها	همبستگی	sig
حق به شهر	احساس امنیت	۰/۲۹	جانی	حق به شهر	۰/۲۰
	احساس امنیت	۰/۲۹		احساس امنیت	۰/۵۸
ارتباطی	حق به شهر	۰/۹۶	مالی	حق به شهر	۰/۳۴
	احساس امنیت	۰/۶۷		احساس امنیت	۰/۶۰
عاطفی	حق به شهر	۰/۱۵	تحصیلات	حق به شهر	۰/۱۱
	احساس امنیت	۰/۶۶		احساس امنیت	۰/۰۳

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۸.

با توجه به جدول بالا همبستگی بین حق به شهر و احساس امنیت (۰/۲۹) رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد، ($P \geq 0/01$). همچنین بین حق به شهر و ابعاد احساس امنیت، بعد ارتباطی (۰/۹۶)، بعد عاطفی (۰/۱۵)، بعد جانی (۰/۲۰) و بعد مالی (۰/۳۴) نیز رابطه مثبت و معنی‌دار است. به این صورت که با افزایش حق به شهر به طور مستقیم و مثبت با افزایش احساس امنیت در همه ابعاد روبرو خواهیم بود. از این رو چنانچه شهروندان و ساکنان شهر-ساکنان شهر یزد- به لحاظ ارتباطی، عاطفی، جانی، مالی احساس امنیت داشته باشند، قطعاً مشارکت آن‌ها در فضای شهری بیشتر خواهد بود. از سوی دیگر بین تحصیلات و حق به شهر ۰/۱۱ نیز، رابطه مثبت و معنی‌داری مشاهده

شد ($P \geq 0.01$). به این معنی که به موازات افزایش میزان تحصیلات شهروندان، میزان مشارکت شهروندان که نمونه‌ای از میزان تعلق شهروندان به شهر و حق به شهر می‌باشد افزایش پیدا می‌کند، بین تحصیلات و احساس امنیت 0.03 نیز رابطه معنی‌داری ($0.05 \leq 0.54$) بدست نیامد، گرچه فقط در بعد مالی این رابطه معنی‌داری است ($0.01 \leq 0.05$). این نتایج حاکی از آن است که هر چه شهروندان به لحاظ تحصیلات و درک از موقعیت در شهر و جایگاه و حقوق شهروندی اطلاع و آگاهی بیشتری داشته باشند مسلماً بیشتر احساس امنیت خواهند کرد. این احساس امنیت به ویژه در بعد مالی نقش خود را بیشتر نشان می‌دهد. افزایش تحصیلات، داشتن شغل بهتر و درآمد بالاتر برای افراد آن‌ها را در پایگاه اجتماعی - اقتصادی بالاتری قرار می‌دهد و بدین صورت احساس امنیت بالاتری به لحاظ مالی به عنوان یک شهروند خواهند داشت.

برای مشخص شدن سهم تاثیر هر یک از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته از تحلیل رگرسیون استفاده شده است. همانطور که نتایج حاصله از جدول (۵) نشان می‌دهد، حق به شهر با بتای 0.42 و سطح معنی‌داری 0.00 بیشترین تاثیر را بر روی متغیر وابسته گذاشته است. همچنین ضریب همبستگی متغیرهای مستقل با متغیر احساس امنیت برابر با $R=0.33$ و ضریب تعیین تعدیل شده برابر با 0.10 بدست آمده است و این ضریب بیانگر آن است که 10 درصد از واریانس توسط متغیر احساس امنیت را تبیین می‌کند. همچنین مدل رگرسیونی تبیین شده طبق آزمون تحلیل واریانس، خطی و معنادار است، زیرا مقدار آزمون F برای تبیین معناداری اثر متغیرهای مستقل بر احساس امنیت برابر با $18/75$ و سطح معناداری 0.000 می‌باشد.

جدول ۵- نتایج تحلیل رگرسیونی تأثیر متغیرهای مستقل بر احساس امنیت

Sig	T	بتا	ضرایب خام		متغیر
			Std.Error	B	
0.000	20.307	-----	1/516	30/792	مقدار ثابت
0.000	5/177	0/282	0/081	0/420	حق به شهر
0/001	3/278	0/178	0/030	0/098	سن

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۸.

نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها:

از منظر نظریه پردازان و محققان مطالعات شهری، شهر تنها بستری کالبدی یا اقتصادی نیست بلکه همزمان پدیده‌ای اجتماعی و فرهنگی است برخی پژوهشگران از جمله فیاکوف شهر را محصول فرهنگ می‌داند در عین حال که معتقد است شهر خود می‌تواند به قالبی فرهنگی بدل شود از نظر وی شهر و جامعه بر یکدیگر تاثیر و تاثر متقابل داشته و شیوه‌های زیستن، کارکردن، یا مصرف کردن نتیجه شرایط محیط شهری است این به معنای وجود رابطه دیالکتیک بین شهر و ساکنان است ساکنان با اجرای زندگی روزمره در شهر، آن را شکل می‌دهند و شهر با ویژگی‌های کالبدی، فضایی، زیستی و اقتصادی خود بر شهروندان اثر می‌گذارد (AzimiHashemi, 2014: 53). این پژوهش با هدف بررسی رابطه حق به شهر با احساس امنیت در میان شهروندان شهر یزد انجام شده است. حق به شهر به معنای مشارکت آزادانه همه ساکنان در امور مربوط به شهر و بازتولید فضای شهری است. در پژوهش حاضر این مفهوم (حق به شهر) در کنار احساس امنیت به عنوان مفهومی که انسان مدرن برای سکونت در جامعه شهری نیازمند آن است قرار گرفته است به طور خلاصه احساس امنیت به معنای رهایی انسان از تشویش‌ها، ناامنی‌ها و اضطراب‌هایی است که یک انسان با زندگی در جوامع شهری ممکن است با آن مواجهه شود. با توجه به اینکه شهر یزد اخیراً به عنوان شهر تاریخی و زنده مورد توجه جهانیان قرار گرفته و به ثبت یونسکو رسیده بنابراین مشارکت مردم در تولید فضای شهری از یک طرف و داشتن احساس امنیت برای افزایش مشارکت امری مهم و ضروری به نظر می‌رسد. یافته‌های توصیفی نشان داد که بیشترین تعداد پاسخگویان (۳۳/۲ درصد) در گروه سنی ۲۰ تا ۲۹ سال قرار گرفته‌اند، کمترین سن پاسخگویان ۱۸ سال و بیشترین سن ۷۳ سال است. ۵۰/۷ درصد از پاسخگویان زنان و ۴۹/۳ درصد مردان می‌باشند. همچنین یافته‌های توصیفی نشان دادند که ۳۷/۳ درصد از پاسخگویان مجرد و ۶۲/۷ درصد متأهل بوده‌اند. همچنین یافته‌های پژوهش نشان داد اکثر پاسخگویان شاغل (۵۹/۲ درصد) و بومی شهر یزد می‌باشند (۸۷/۹ درصد) و بیشتر پاسخگویان ملک مسکونی شان از نوع شخصی بوده است (۶۹ درصد). یافته‌های استنباطی نیز نشان داد بین حق به شهر و احساس امنیت رابطه مثبت معنی‌داری وجود دارد، به این معنی که با افزایش حق به شهر در بین شهروندان، میزان احساس امنیت آنان نیز افزایش مثبتی پیدا می‌کند. که این با نتایج ملک حسینی و

همکاران (۲۰۱۸)، فعال (۲۰۱۷)، رهبری و شارع پور (۲۰۱۴)، آگرز و همکاران (۲۰۱۹)، توبون (۲۰۱۸)، شهزادی (۲۰۱۶)، مزلاقانی (۲۰۱۶) همسو می‌باشد. نتایج حاصله از پژوهش نشان داد که میانگین احساس امنیت اجتماعی از متوسط میانگین پایین‌تر است که با یافته‌های مویدی فر (۲۰۱۹) همسو می‌باشد، همچنین میانگین حق به شهر زنان بالاتر ۱۳/۶۳ از مردان ۱۳/۵۱ است اگر چه این رابطه به لحاظ آماری معنادار نیست، این یافته‌ها با نتایج حاصل از پژوهش رهبری و شارع پور (۲۰۱۴) همخوانی داشت در این پژوهش علی‌رغم اینکه زنان و مردان ادراک‌های تقریباً مشابهی در زمینه بهره‌مندی از مشارکت دارند و توزیع آن‌ها در سطوح مختلف مشارکت نردبان آرنشتاین تقریباً همانند است بازهم زنان چه در سطح عدم مشارکت، چه در سطح مشارکت ظاهری و چه در سطح قدرت شهروندی درصد بالاتری را نسبت به زنان به خود اختصاص داده‌اند. نتایج این پژوهش نشان داد که بین تحصیلات و احساس امنیت همبستگی معنی‌داری مشاهده نگردید به این معنی که بالا رفتن تحصیلات ارتباطی با میزان احساس امنیت شهروندان ندارد. «گر چه میزان تحصیلات با احساس امنیت در بعد مالی رابطه معناداری دارد». در مجموع با توجه به ضرایب بتای استاندارد شده ملاحظه می‌شود که، حق به شهر با مقدار $\beta = ۰.۴۲$ بیشترین تاثیر را بر روی احساس امنیت داشته و واریانس ترکیب خطی متغیرهای مستقل توانسته ۱۰ درصد از واریانس احساس امنیت را تبیین کند. همچنین با توجه به یافته‌های فرضیه رابطه بین محل زندگی و حق به شهر، افرادی که در خانه‌های سازمانی زندگی می‌کنند حق به شهر بیشتری نسبت به دیگر شهروندان دارند، به نظر می‌رسد از آنجا که اغلب این افراد کسانی هستند که وابسته به امور دولتی و کارمندان دولت می‌باشند احساس تعلق خاطر بیشتری نسبت به شهری که در آن زندگی می‌کنند دارند. در ارتباط با فرضیه رابطه بین محل زندگی و حق به شهر می‌توان گفت که کسانی که در مناطق بالای شهر زندگی می‌کنند حق به شهر بیشتری نسبت به محل زندگی خود دارند به عبارت دیگر نسبت به محل زندگی خود مسئولیت پذیرترند چرا که میانگین آن‌ها بالاتر است. بدین ترتیب پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

۱- همانطور که در یافته‌ها مشاهده شد رابطه احساس امنیت و حق به شهر یک رابطه مثبت و معنادار است. این مساله لزوم توجه بیشتر مسئولان ذی ربط در مدارس، رسانه‌های جمعی، آموزش و پرورش و شهرداری‌ها را تقویت می‌کند. ۲- از دیگر نتایج مهم پژوهش تاثیر مثبت تحصیلات بر حق به شهر می‌باشد که این رابطه نیز یک رابطه مثبت بود این مساله نشان دهنده این است هر چه شهروندان از تحصیلات بالاتری برخوردار باشند بیشتر حق به شهر دارند بنابراین نشان می‌دهد که تحصیلات اکادمیک در دانشگاه تا چه اندازه بر این که " این شهر و مشارکت در امور شهری از آن من است و من وظیفه خود می‌دانم که در این امور همکاری داشته باشم" تاثیر می‌گذارد این مساله نیازمند توجه به مساله آموزش حقوق شهروندی از ابتدایی ترین سطوح تا بالاترین سطح در آموزش و پرورش و اشاعه آن توسط رسانه‌های جمعی است. ۳- شناخت موقعیت‌های مخاطره آمیز و رفع آن‌ها. ۴- توانمند سازی همه افراد شهر برای مشارکت در جهت بالا بردن فرهنگ شهری و افزایش احساس امنیت اجتماعی.

References:

1. AzimiHashemi, M. RazaviZadeh, N. JavanJafari, A. (2014): *Urban Charters: The Basis for Realizing the Right to Urbanization*. *Quarterly Journal of Social Sciences*. Volume 11, No 2, pp: 51-76. (Persian).
2. Bazrafshan, J. Rosta, M. (2016): *Evaluation of Factors Affecting the Feelings of Security in Rural Areas Case Study of Central District of Jahrom*. *Regional Planning Quarterly Journal*, Volume 6, No 23, pp: 142-152. (Persian).
3. Bemanian, M. Mahmoudinejad, H. (1999): *A Study on Measuring the Factors Affecting the Feeling of Urban Security, Case Study: Kerman City*. *Urban Management Quarterly Journal*, No. 19, pp: 59-71. (Persian).
4. Dikeç, M. & Gilbert, L. (2002): *Right to the city: homage or a new societal ethics? Capitalism Nature Socialism*, 13(2), pp: 58-74.
5. -Edrisi, A. Shojaei, M. (2012): *Investigating the Factors Affecting the Residents' Social Participation in the Realization of Urban Development Plans, Case Study: Implementation of the Historic District Tehran District 12*. *Journal of Welfare and Development of Social Planning*, No. 13, pp: 115-158. (Persian).
6. Eggers, T. Grages, C. & Pfau-Effinger, B. (2019): *Self-Responsibility of the "Active Social Citizen": Different Types of the Policy Concept of "Active Social Citizenship" in Different Types of Welfare States*. *American Behavioral Scientist*, 63(1), pp: 43-64.
7. Faall, S. (2017): *The Impact of Border Citizens' Citizenship Rights on Promotion of Order and Security in Borderlands*. *Law and Legal Studies Quarterly*, No. 6, pp: 175-200. (Persian).

8. Fenster, T. (2005): *Identity issues and local governance: Women's everyday life in the city. Social Identities, 11(1), pp: 21-36.*
9. Giddens, A. (2004): *Basics of Sociology, Manouchehr Sabouri, Ney, Tehran. (Persian).*
10. Godarzi, M. Mollaei, M. Abdollahi, M (2016): *An Analysis of Urban Tourism Spaces in New Cities with a Women's Sense of Security Approach, A Case Study of the New City of Baharestan. Regional Planning Journal, Vol. 6, No. 22, pp: 97-107. (Persian).*
11. Habibi, S. Amiri, M. (2015): *The Right to the City, the Existing City and the Desirable City: What is it and What it should be. Iranian Quarterly Journal of Anthropological Research, Volume 5, No 2, pp: 9-30. (Persian).*
12. Haghghat, M. MirabolghasemiBahabadi, S. (2017): *Security and Women' Citizenship Rights in Urban Spaces using the CPTED Approach: Street and Pavement. Spatial Research, No 2, pp: 54-79. (Persian).*
13. Harvey, D. (2008): *Debates and developments: the right to the city, International Journal of Urban and Regional, 27(4), pp: 939-941.*
14. Jalayei, N. DindarSangjuei, H (2015): *The Right to the City, a Right to Live Better and a Necessity. First Annual Conference on Urban Architecture and Management Research, pp: 1-12. (Persian).*
15. KhodayariMotlagh, S. (2016): *Investigation of the Effects of Urban Space Desirability Indicators on the Right to the City. MA Thesis in Social Sciences Research, Faculty of Humanities and Social Sciences, University of Mazandaran. (Persian).*
16. Khushfar, G. Mohammadi, A. Mohammadzadeh, F. Mohammadi, R. Akbarzadeh, F. (2014): *Social Security and Social Health: A Case Study of 15-29 Year olds in Qaen City. Iranian Journal of Social Studies, Volume 9, No 1, pp: 71-102. (Persian).*
17. MalekHosseini, A. ShahrodiRostaei, M. Ganjeh, F (2018): *Investigating the Impact of Citizenship Culture on the Social Security of Women in Malayer. Regional Planning Quarterly, Vol. 8, No. 2, pp: 255-275. (Persian).*
18. Mitchell, D. (2003): *The right to the city: Social justice and the fight for public space. Guilford press.*
19. Moayedifar, S. Rezaei, H. Fatemi, M. (2019): *An Analysis on the Spatial Distribution of Security Feeling in Yazd Province Using the Vikor Model. Strategic Research in Iranian Social Issues, Eighth Year, No 1, pp: 1- 18. (Persian).*
20. Mohseni, R. (2010): *Sociological Analysis of Social Security and its Role in Reducing Crime and Social harm. Law and Order Security, No. 4, pp: 1-23. (Persian).*
21. Mousavi, M. Hekmatniya, H. AhmadiDoreini, H. (2008): *Urbanization and Security, Investigating the Level and Factors Affecting Citizens' Feelings of Security: Case Study, Maraghe City. Peak Noor journal, No 3, pp: 39-50. (Persian).*
22. Muggah, R. & Tobón, K. A. (2018): *Citizen security in Latin America: Facts and Figures. Strategic paper, 33, pp: 1-65.*
23. -Narimani, S. (2016): *Social Capital and the Feeling of Security. Journal of Social Science Growth, No. 70, pp: 46-51. (Persian).*
24. Navidnia, M. (2003): *An Introduction to Social Security. Strategic Studies Quarterly, Volume 6, No 1, Pp: 55-76. (Persian).*
25. Purcell, M. (2002): *The right to the city and its urban politics of the inhabitant, GeoJournal, 58(2), pp: 99-108.*
26. Rafeiyan, M. AlvandiPour, N. (2016): *Conceptualizing the Thought of the Right to the City in Search of a Conceptual Model. Iranian Journal of Sociology, Volume 16, No 2, pp: 25-47. (Persian)*
27. Rahbari, L. Sharepour, M, (2014): *Gender and the Right to the City: in Search of a Conceptual Model. Iranian Journal of Sociology, Volume 14, No 1, pp: 116-141. (Persian).*
28. RakhshMah, A. Pozeshian, S. Payam, H. RakhshMah, E (2019): *Evaluation of Clean City Realization Using the Sustainable Urban Development Approach, Case Study of Yasuj City. Geography and Human Relations Journal, Volume 1, No 4, pp: 221-235. (Persian).*

29. Rezaei, M. Balaei, H. (2016): *Security and Citizenship Rights; Priority or Delay*. *Afaq Journal*, No 30, pp: 121-97. (Persian).
30. Riyahi, V. Nouri, A (2018): *Analysis of the Effects of Social Security on the Quality of Life in Rural Households in Khorram Dare*. *New Attitudes in Human Geography*, Volume 11, No 1, pp: 145-158. (Persian).
31. SamAram, E. (2009): *Investigating the Relationship between Social Health and Social Security with Emphasis on Community-Based Police Approach*. *Social Discipline*, Volume 1, No 1, pp: 9-29. (Persian).
32. Shabani, M. Sepahvand, E. (2013): *Radio and Citizenship: The Relationship between Radio Program Content and Citizenship Awareness of their Citizenship Rights*. *Social Studies and Research in Iran*, Volume 2, No 3, pp: 469-503. (Persian).
33. -Shahdadi, A. (2016): *Citizens' Security Feeling and Physical Factors in Communal Spaces (Case Study: Bandar Abbas City, Iran)*. *American Journal of Life Science Researches*, Volume 4, Issue 1, pp:12-19.
34. Shamsuddini, A. Ahmadianfar, K. MasoudKavousi, I. (2017): *Investigating the situation of security against thievery and identifying its determinants in rural settlements of Ravansar*. *Journal of Regular Planning*, No 27, pp: 61-74. (Persian).
35. Shiyani, M. Fateminiya, S (2009): *The Level of Citizens' Awareness of Citizenship Rights and Obligations*. *Development Strategy Quarterly*, No. 18, pp: 103-129. (Persian)
36. Soltani, L. BeikMohammadi, H. Somayeh, H. (2016): *Spatial Analysis of Feeling of Security in Different Urban Areas (Case Study of Quds City)*. *Strategic Studies of Social Order and Security*, No. 14, pp: 87-104. (Persian).
37. Vucetic, S. (2002): *Traditional versus societal security and the role of securitization*. *Southeast European Politics*, 3(1), pp: 71-6.
38. Yon, A. & Nadimpalli, S. (2017): *Cities for whom? Re-examining identity, to reclaim the right to the city for women*. *Australian Planner*, 54(1), pp: 33-40.
39. Zakaie, M. (2016): *Urban Leisure Spaces and New Femininity*. *Quarterly Journal of Social Sciences (Allameh Tabatabaei University)*, No 37, pp: 62-91. (Persian).
40. ZareShahabadi, A. (2005): *The Role of Iraqi Immigrants to Yazd City in Social Disasters*. *Geography and Development Quarterly*, No. 2, pp: 57-72. (Persian).



Research Paper

The Study of the Relationship Between The Right to the city and the feeling of social security among Yazd citizens

Akbar ZareShahabadi¹: Associate Professor of Sociology, Yazd University, Yazd, Iran

Leili Bonyad: Ph. D student of sociology, Yazd University, Yazd, Iran

Meysam Gholami: M. A of Sociology, Yazd University, Yazd, Iran

Received: 2019/4/11

pp:121-124

Accepted:2020/1/17

Abstract

Among the fundamental concepts in the field of urban studies is the notion of right to the city which include belonging the city to its citizens. And it is the main factor of citizen's participation in urban affairs which has opened its way in the fields of urban studies and urban sociology through translating Lefebvre artworks. The objective of the current research is to examine the relationship between right to the city and Yazdi citizens' social security sense. Based on the method of implementation, the present study is survey-based, cross-sectional based on time, applied in nature, and quite large based on the breadth. The statistical population of the current research include 411051 Yazdi citizens aged 18 or above in 1397 (2019), among whom, using Cochran formula, 365 people were surveyed through a three-stage sampling method. The instrument was a researcher-made questionnaire whose face validity and reliability, through Cronbach alpha value, were confirmed. In order to analyze the data, t-test and Pearson analyses were used through SPSS. The obtained results suggest that the level of right to city and security sense is lower than average among Yazdi citizens, and also there is a positive and significant relationship between right to the city and security sense. There is also a significant relationship between urban area, housing type, and right to the city. Moreover, based on the regression model, independent variables could explain 10% of security sense variance.

Keywords: security sense, right to the city, life security, financial security.

Abstract Extend

Introduction:

Urbanization growth and the formation of the scales of urbanization growth in recent decades have given rise to new challenges in urban and contemporary urbanization. What has recently drawn attention according to cities expansion and the importance of studying urban life and the right seeking style in the city is the discussion of the right to urban life or, as Henry Lefebvre puts it, the right to the city. The right for city dwellers to be involved in decision making processes about urban spaces at whatever level of decision making process they are. In exploring the causes of the emergence of the city and why human communities came together in an environment such as the city, various theories have been proposed, one of which being the issue of security and its objective dimensions. Now that centuries have passed since the birth of the first urban communities, cities as a result of the widespread physical and demographic growth have been involved in new issues within different dimensions of citizens' lives, including the urban security of citizens in the context of the concept of the right to the city as one of the most important issues in urban organization. Security is one of the reasons for seventies and the formation of communities and as social gatherings and social

¹ - Corresponding Author's Email: a_zare@yazd.ac.ir, Tel: +989133531789

interactions expand, numerous relationships in various fields (politics, culture, economics, social, etc.) are formed and security is overshadowed. In terms of inclusion and universality, social security can be termed public security which can cover the areas of social security and group security. Among security theorists, Waver has defined social security as the ability of the community to take care of its fundamental features and characteristics in conditions of change and threats, both objective and probabilistic; Emphasizing the closeness between community identity and security. He further points out society requires its identity security and accordingly, social security is the peace and tranquility that every community is obliged to provide for its members and often is divided into communication security, emotional security, life security and financial security. Therefore, social security is the peace and tranquility that every society is obliged to create for its members. Security is one of the basic needs and motivations of the human being. Thus, the main question that this study seeks an answer for is: What is the relationship between Yazdi citizens' the right to the city and their social security?

Methodology:

The present study is survey-based in terms of implementation, cross-sectional in terms of time, applied in nature, and quite large in terms of breadth. The statistical population of the study was 41105 citizens aged 18 years and above in Yazd city. Using Cochran formula, 365 individuals were studied by three-stage sampling method. The research instrument was a researcher-made questionnaire whose validity was confirmed by face validity and its reliability was corroborated through Cronbach's alpha.

Findings:

Based on the findings, there is a positive and significant relationship between the right to city and sense of security (0.29) ($p \geq 0.01$). Furthermore, there is a positive and significant relationship between the right to the city and the dimensions of feeling of security, communicative dimension (0.96), emotional dimension (0.15), life dimension (0.20) and financial dimension (0.34). Thus, by increasing the right to the city directly and positively, we will have an increased sense of security in all aspects. Therefore, if the citizens and residents of Yazd have a sense of communicative, emotional, life and financial security, they will certainly be more involved in the urban environment. This sense of security is especially important in the financial aspect. Increasing education, having better jobs and higher incomes for their individuals will place them on a higher socioeconomic base and thus make them feel more financially secure as a citizen. As the results of the linear regression indicate, the right to city with 0.42 beta and significance level of 0.00 had the greatest effect on the dependent variable. Also, the correlation coefficient of the independent variables with the variable of sense of security was $R = 0.33$ and the adjusted coefficient of determination was equal to 0.10, which indicates that 10% of the variance explains the feeling of security. Also, the regression model explained by the ANOVA test is linear and significant because the value of F test for explaining the significance of the effect of independent variables on feeling of security is 18/75 and the significance level is 0.000.

Conclusion:

The present study was purposed to investigate the relationship between right to city and security among Yazd citizens. In short, the sense of security means the liberation of man from the anxieties, insecurities, and anxieties that a person living in urban communities may face. Given that Yazd has recently become a worldwide historic and UNESCO-listed city, the participation of people in producing urban space on the one hand and having a sense of security, on the other hand, to enhance participation seems essential. Descriptive findings showed that the majority of respondents were in the age group of 20.2 to 33.2%, the lowest age was 18 years and the highest age was 73 years. 50.7% of the respondents are female and 49.3% are male. Additionally, descriptive findings demonstrated that 37.3% of the respondents were single and 62.7% were married. The research findings also showed that the majority of employed respondents are 59.2% and native to Yazd 87.9%. Inferential findings also showed that there is a significant positive relationship between the right to the city and the sense of security, which means that with the increase in the right to the city among the citizens, there is a positive increase in their sense of security. The obtained results revealed that the average feeling of

social security was lower than the average of the mean. In this study, although men and women have almost similar perceptions of participation and their distribution at different levels of participation in the Arneshain ladder is almost the same, both at the level of non-participation and at the level of physical participation, and at the level of citizen power they have a higher percentage than women. Suggestions: 1. as seen in the findings, the relationship between sense of security and the right to the city is a positive and significant one. This reinforces the need for more attention by officials in schools, mass media, education and municipalities. 2. Empowering all citizens in the city to participate in enhancing urban culture and enhancing their sense of social security.





پښتونستان د علومو او مطالعاتو فریښی
پرتال جامع علوم انسانی